



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از آقایان مطالبی را نوشته؛ اول اینکه اگر میت فرزندی نداشته باشد در قران ذکر شده لأمه الثلث (البته به شرط عدم وجود حاجب مثل إخوه که اگر باشند در اینصورت سدس می برد) ولی برای پدر در اینصورتی که میت فرزندی نداشته باشد چیزی در قران ذکر نشده، ما عرض می کنیم بله در فرض مذکور برای پدر چیزی در قران ذکر نشده و ما بعدا خواهیم گفت که به چه صورت تقسیم خواهد شد.

دوم اینکه " المطلقه رجعیة زوجة " یعنی تمام احکامی که بر زوجه مترتب می شود من جمله ارث بر مطلقه رجعی نیز مترتب می شود حالا چطور در آن صورت مذکور چهار زن ارث نمی برند؟ در مورد آن صورت باید عرض کنیم که ما نص داریم که اگر کسی چند زن داشت و برای محروم کردن از ارث یا رساندن نفع به دیگری در حالی که مریض است این چند زن خود را طلاق باین بدهد و چند زن دیگر بگیرد در اینصورت شارع مقدس برای اینکه جلوی این حيله شرعی را بگیرد فرموده اگر قبل از شوهر رفتن آن چند زن مطلقه که در عده هستند و مانده اند مرد بمیرد و از طرفی مرد نیز قدرت آمیزش جنسی با زن های جدید را داشته باشد در اینصورت اگر مرد وطی کند ارث وجود دارد یعنی هم زهای مطلقه (که برای محروم کردن از ارث طلاقشان داده و آنها شوهر نکرده و تا یکسال مانده اند) و هم زهای جدیدی که گرفته اگر آنها را وطی کند از او ارث می برند، این یک مسئله استثنائی می باشد که نص خاص دارد و بعدا در آخر کتاب ارث آن را مطرح خواهیم کرد.

مطلب سوم اینکه گاهی بعد از تقسیم فروض مقدره اضافه می آید یا کم می آید حالا اینکه در این دو حالت چه کار باید کنیم را بعدا بحث خواهیم کرد.

خب و اما صاحب جواهر بعد از اینکه فروضی را ذکر کردند و مثالهایی زدند به اینجا رسیدند که: «وإن وقع فيها اثنان فصاعدا» (یعنی دو فرض بر داریم) فان كانا من مخرج واحد،

کالثین (سهم إخوه ابوی) و الثلث (سهم اخوه أُمی) ، فالثلاثة أصل المسألة (که به این دو مخرج متماثلین گفته می شود و ما یکی از آنها را أخذ می کنیم).

وإن كانا مختلفي المخرج أخذنا المخرجين ونظرنا فيهما ، فإن كانا متداخلين كما إذا اجتمع الثمن (سهم زوجه اگر زوج فرزند داشته باشد) والنصف (سهم بنت واحده)، أو السدس (سهم پدر میت) والنصف (سهم بنت واحده)، فأكثر المخرجين أصل المسألة، وهو الثمانية في الأولى والستة في الثانية.

وإن كانا متوافقين كما إذا اجتمع السدس والرابع في مثل زوجة (که چون میت فرزند ندارد ربع می برد) و واحد من كلاله الأم (که سدس می برد)، أو زوج (که چون زن اولاد دارد ربع می برد) و أحد الأبوين مع ابن (که سدس می برد)، ضربت وفق (یعنی مقسوم علیه مشترک) أحد المخرجين في جميع الآخر، فالاجتمع هو أصل المسألة، ففي المثال تضرب ثلاثة في أربعة أو اثنين في ستة يبلغ اثني عشر (ربع مخرجش ۴ است تقسیم بر ۲ می شود ۲ و ضرب در ۶ می شود ۱۲ و سدس مخرجش ۶ است تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۴ می شود ۱۲)، فهو أصل المسألة، ولو اجتمع الثمن والسدس، كزوجة (که چون فرزند هست ثمن می برد) وأحد الأبوين مع ابن (که چون فرزند هست سدس می برد)، فأصل الفريضة أربعة وعشرون ، لأن الثمانية توافق الستة بالنصف فتضرب نصف إحداهما بالأخرى (ثمن مخرجش ۸ است و سدس مخرجش ۶ است که متوافقین هستند و هر دو بر ۲ قابل قسمت هستند لذا ۸ تقسیم بر ۲ می شود ۴ و ضرب در ۶ می شود ۲۴ و ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۸ می شود ۲۴)، وهكذا. بقیه بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين